



سرپرست اداره کل برنامه‌ریزی و نظارت معاونت سیما منصوب شد

حسین فراهانی‌نیک به سمت سرپرست اداره کل برنامه‌ریزی و نظارت معاونت سیما منصوب شد. به گزارش جام جم، مصطفی محمدی، رئیس مرکز طرح، برنامه و بودجه صداوسیما با هماهنگی به‌عمل آمده با معاون سیما در حکمی حسین فراهانی‌نیک را به سمت سرپرست اداره کل برنامه‌ریزی و

نگاهی به گزارش مرکز صداوسیمای فارس که این روزها حسابی در فضای مجازی سروصدا کرده‌است

واقعا «مارها از جان عسگر چه می‌خواهند؟»

«مارها برای بیشتر انسان‌ها، موجوداتی ترسناکی به حساب می‌آیند و همواره اسرارآمیز و در هاله‌ای از ابهام، اما در موردی عجیب مردی به‌نام عسگر شریفی از اهالی روستای تل پوک سروستان بیش از ۳۰ سال است مدام مورد حمله مارها قرار می‌گیرد ولی سوال اساسی اینجاست که مارها از جان عسگر چه می‌خواهند؟» این جمله‌های گزارشی‌است که خرداد ماه در مرکز سروستان تهیه و روی آنتن بخش خبری در شبکه فارس رفت و این روزها در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی دست به دست می‌شود و حساسی دیده شده‌است. گزارش به روایت سیدنصرا... موسوی، از ماجرای عجیب و رنج مردی می‌گوید که ادعا دارد از جوانی تاکنون بارها مورد حمله مار قرار گرفته‌است و در این باره خانواده و اطرافیانش هم شهادت می‌دهند. حالا ما اینجا به اثرگذاری و داستان بازتاب این گزارش تلویزیونی پس از ماه‌ها پرداختیم. در این مورد به گزارشگر آن و مارگزیده‌ای که این روزها تصویرش را بسیاری دیده‌اند، گفت‌وگو کردیم. همچنین این ماجرا را با دو کارشناس علمی در میان گذاشتیم و نظر آنان را جویا شدیم.



نوشین مجلسی
رسانه

مورد عجیب عسگر شریفی

مارگزیدگی اتفاقی هولناک است که برای برخی ساکنان مناطق جغرافیایی خاص بیشتر اتفاق می‌افتاد. بعضی کشورها هم با این حادثه بیشتر از دیگران دست و پنجه نرم می‌کنند. آبان ۹۹ بود که به مناسبت هفته پیشگیری از مسمومیت‌ها، ایرنا در گزارشی از قول یک حشره‌شناس و متخصص کنترل گزیدگی در ایران اعلام کرد ایران از لحاظ گزش‌های مریگبار توسط مار و عقرب، دومین کشور جهان بعد از مکزیک است.

باتوجه به گزارشی جالب که روی آنتن تلویزیون رفته‌است، می‌شود گفت میان آمار سالانه مارگزیدگی، غالباً یک اسم حضور دارد. کسی که بیش از ۳۰ سال است هر چند وقت یک‌بار با این حادثه دردناک روبه‌رو می‌شود. مورد عجیب عسگر شریفی، مردی ساکن روستای تل پوک سروستان سال‌ها میان اطرافیانش و محلی‌ها مطرح بود و این روزها با بازتاب یک گزارش تلویزیونی در فضای مجازی، بسیاری از آن خبر دارند. عسگر، مردی ۵۰ و چند ساله است و می‌گوید از نیش مارها که همواره ساق پای راستش را هدف می‌گیرند، به ستوه آمده‌است. این مرد در گزارش تصویری که سیدنصرا... موسوی درباره او تهیه کرده‌است، برای نخستین بار مقابل دوربین از حکایت غریبش با مارها می‌گوید و همسایگانش هم به این اتفاق صحه می‌گذارند.

گزارشی از تل پوک

این که سیدنصرا... موسوی چگونه این سوژه را پیدا کرده‌است و برای اولین بار روی قصه عسگر شده‌است، خود ماجرای جالبی دارد. آشنایی او با مورد عجیب عسگر به واسطه دایی‌اش اتفاق می‌افتاد که از اهالی روستای تل پوک، همسایه این مرد و شاهد مارگزیدگی‌های مکرر اوست. دایی از خواهرزاده‌اش می‌خواهد ماجرای عسگر به تصویر کشیده شود تا شاید کسی فکری به حال او کند و علت بروز بیایی این حادثه کشف شود. موسوی، خبرنگار صداوسیما در سروستان به جام‌جم درباره تهیه این گزارش توضیح می‌دهد: من هشت سال است خبرنگارم. خبرنگار آزاد و خبرهای سروستان را برای صداوسیمای استان پوشش می‌دهم. یک دایی دارم که ساکن روستای تل پوک است. یک بار گفت: همسایه‌مان در این روستا همیشه مورد مارگزیدگی قرار می‌گیرد. این اتفاق خیلی عجیب غریب است و هیچ‌کس دلیلش را نمی‌داند. این شخص و خانواده‌اش در عذاب هستند. شما که رسانه‌ای هستی بیا و این قضیه را رسانه‌ای کن. ثواب دارد و شاید یک مسئول پیدا شود که فکری به حال این بنده خدا کند.

او ادامه می‌دهد: به دایی‌ام اطمینان داشتم و حرف او برایم ملاک بود. به روستا هم که مراجعه کردم، دیدم شواهد محلی همین را نشان می‌دهد. اهالی روستا و خانواده آقای شریفی هم در جریان این مشکل بودند و گفتند این ماجرا صحت دارد. اتفاقا وقتی شروع به کار کردیم، در حین گزارشمان هم که چند روز طول کشید دو بار ایشان مورد مارگزیدگی قرار گرفت. در یکی از این موارد توانستیم خودمان او را به بیمارستان برسانیم و تصویرش را هم گرفتیم. بعد از آن هم یک‌بار دیگر مار او را نیش زد که دیگر نرسیدم تصویرش را بگیرم. در واقع در آن روزها سه چهار بار مارگزیده شد.

موسوی درباره شرایط شریفی بیان می‌کند: حدوداً ۳۰سالی است درگیر این ماجراست. از جوانی و موقعی که ازدواج کرده بود شروع می‌شود. در این ۳۰سال پای راستش را هدف گرفته‌اند. طبق آماری که ما داریم ۴۷ - ۴۶بار این اتفاق افتاده و این مدت در بیمارستان شهدای سروستان پس از مارگزیدگی برایش اقداماتی شده‌است. این بنده خدا عشاير و کوچ‌رو بوده و فکر می‌کرده چون بیشتر در بیابان زندگی می‌کند مارها او را پیدا می‌کنند، مدتی است ساکن روستا شده تا شاید مارها دست از سرش بردارند ولی این اتفاق نیفتاده‌است و حتی گاهی در خانه که نشسته‌است مار او را می‌گزذ. البته گاهی هم داد و بیداد کرده‌است تا همسایه‌ها بیایند و او را نجات دهند. گاهی هم خودش فرار کرده یا مار را کشته‌است. یک‌بار نزدیک پادگان مشغول چرای دام‌هایش بوده و سرباز پادگان به نجات او کمک کرده‌است. زمانی که عشاير بوده، پزشکی در اقلید به او می‌گوید مارها متوجه بوی پایت می‌شوند و تنها کاری که می‌توانم برایت کنم این است که بخشی از گوشت پای راستت که مورد حمله قرار می‌گیرد را بردارم و از جای دیگر پیوند بزنیم که آقای شریفی قبول نکرده‌است. مارهای مختلفی او را می‌زنند، نوع خاصی نیست ولی این‌که تر یا ماده است را نمی‌دانیم.



بازنشر یک گزارش تلویزیونی

این گزارش خرداد امسال روی آنتن شبکه فارس رفته‌است، اما نکته جالب توجه آن است که پس از ماه‌ها، این روزها در اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های اینترنتی بازنشر می‌شود و مورد توجه بسیاری قرار گرفته‌است. حتی عده‌ای این اتفاق را دستمایه طنز قرار دادند و گیف‌ها و تصاویری از آن درست کردند که نه تنها دواى درد نیست، بلکه دیدنش می‌تواند برای عسگر شریفی و خانواده‌اش آزاردهنده هم باشد. با وجود این، تمام اینها نشان از اهمیت خبررسانی و دیده شدن وسیع و تأثیر گزارشی دارد که در یک شبکه استانی روی آنتن رفت و بعد از آن سر از فضای مجازی درآورد.



موسوی درباره دیده شدن این گزارش و بازنشر آن پس از گذشت چند ماه بیان می‌کند: فکر می‌کنم حدود خرداد ماه بود که این گزارش در بخش خبری ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه شبکه فارس پخش شد. پیش از این کسی از ماجرا خبر نداشت و فقط اهالی روستا از زندگی عسگر مطلع بودند. در شهرستان مان یک کانال خبری دارم که فیلم این گزارش را پس از پخش در تلویزیون، در آنجا هم منتشر کردم ولی تعجب می‌کنم پس از چند ماه چرا دوباره مورد توجه قرار گرفته‌است.

روایت مارگزیدگی از زبان مارگزیده

گویا عسگر شریفی، خبری درباره واپایل شدن ویدئوی گزارشی که از وی منتشر شده‌است، ندارد. از او درباره اتفاق عجیبی که ادعا می‌کند با همه ابعاد زندگی‌اش عجین شده‌است، می‌پرسیم و او با لهجه شیرین و بیان ساده‌ای که دارد در این مورد و همچنین روزگارش بعد از پخش گزارش از تلویزیون می‌گوید:

در خانه هم امنیت ندارم

مار ۴۰بار من را نیش زده‌است. الان ۳۶ - ۳۵ سال است که این اتفاق می‌افتد. فکر کنم ۱۹سالم بود که برای اولین بار نیشم زدند و الان حدود ۵۰سالم است. هر بار بعد از مارگزیدگی به بیمارستان می‌روم و سوزن می‌زنم تا نجات پیدا کنم. دارویی هم داشتم که می‌زدم و بهتر می‌شدم. تا به حال برای درمان پا پیدا کردن دلیل این موضوع تهران نرفته‌ام. هر موقع مار گزیده شدم در اقلید، لار یا هر جای دیگر که بودم، من را به درمانگاه و پیش دکتر بردند. تا به حال همه نوع ماری من را نیش زده‌است، از وی لاس هم می‌زنند، حتی دو سه بار در خانه هم من را نیش زده‌اند.

یکی گفت درمان می‌شوی

دلیلش را نه خودم می‌دانم و نه تا به حال کسی توانسته‌است پیدا کند. یک دکتر گفت بیا بیمارستان شیراز تا گوشت آن قسمت از پایت را

تصدی این اداره کل قدردانی شده‌است. حسین فراهانی‌نیک در حال حاضر مدیر اطلاعات و برنامه‌ریزی حوزه ریاست رسانه ملی است و سابقه مدیریت طرح و برنامه شبکه پنج سیما، اطلاعات و برنامه‌ریزی شبکه العالم، آمار و اطلاعات سازمان و بودجه جاری رسانه ملی را در کارنامه کاری خود دارد.

که مار می‌زند ببریم، اما من نرفتم. یعنی فکر نمی‌کنم راهش این باشد چون همیشه پایم را می‌زد، اما دو سه ماه پیش آمدم جلویش را بگیرم، دست راستم را نیش زد.

یک‌جانشین شدم

عشاير بودم. مال داشتم. فروختم و شش سال است در این روستا خانه خریده‌ام و در این مدت هم حدود هشت بار، مار من را گزیده‌است. در آن مدتی هم که آمده بودند گزارش بگیرند دو بار مارگزیده شدم. کلاً وقتی هوا گرم می‌شود، یعنی در بهار و تابستان بیشتر سراغم می‌آیند و در زمستان کمتر است. قبل از این‌که از تلویزیون برای گزارش بیایند، هیچ‌کس سراغم نیامده‌بود. الان پنج شش ماه از گزارش هم می‌گذرد و کسی کاری برایم نکرده‌است.

زاویه دید

بتواند مقاومت کند. او بیان می‌کند: بهتر است کفش ساق بلند یا نیم سابق بپوشد. اگر از پارچه‌ای شبیه دستکش‌های جوشکاری که ضخیم و معمولاً چرمی است، استفاده کند و داخلش راگرتکس بگیرد قاعدتاً مقابل اغلب مارها جواب می‌دهد، مگر این‌که گریزه‌مار یا کبرا باشد. دستکش‌هایی هم که الان ضدگزش در تمام دنیا استفاده می‌شود ساخت پاکستان است و کتر هم دارد. معمولاً این کالاها برای کشورهای آمریکایی است و در کشورهایی مثل پاکستان سرمایه‌گذاری می‌کنند تا چنین چیزهایی را زیر قیمت تولید کنند تا بتوانند راحت پخش کنند چون پخش محدودی دارد و گران است. به هر حال این وسایل وجود دارد که می‌تواند خریداری یا خودش درست کند. این کارشناس می‌گوید: این مورد برای مارگیرها هم اتفاق می‌افتاد. مارگیرها هر روز با مارها سروکار دارند و ممکن است سالی یا چند سال یک‌بار، گزیده شوند. عوارضی که این اتفاق روی استخوان دارد زیاد و متفاوت است. سم مارهای کبرا و افعی خیلی با هم تفاوت دارد، یکی عصب‌گرا و یکی خون‌گراست و این امداد را هم سخت می‌کند؛ خصوصاً برای کسی که بارها دچار حادثه شده‌است، استرس بالایی دارد. این خطر وجود دارد که شخص مارگزیده، مار را شناسایی نکرده‌باشد و این باعث تلف شدن فرد می‌شود. در مورد این آقا، غیر از اقدامات پیشگیرانه، خوب است روی مارهای منطقه کار شود تا ببینیم در آن مناطق چه نوع‌هایی دارند. فکر می‌کنم به جز جعفری، مار سمی دیگری در آن منطقه نداشته‌باشند. او درمورد این که می‌گویند برخی از مارگزیده شدن خوششان می‌آید یا از این چالش‌لذت می‌برند بیان می‌کند: برخی از این افراد را می‌شناسیم که می‌خواهند بگویند من دیگر دارم روبین‌تن می‌شوم، اما این بنده خدا بیشتر ترس و واهمه داشت و این‌گونه نبود.

نظر متخصصان درباره ماجرای عسگر

خسرو رجبی زاده، نویسنده کتاب مارهای ایران، خوانشی دیگر از این ماجرا دارد و می‌گوید: هیچ مستند و دلیل علمی در دنیا مبنی بر این‌که مارها به یک نفر خاص حمله‌کنند و او را بگزند وجود ندارد. اما مستندات و شواهد و گزارش‌های رسمی زیادی وجود دارد از کسانی که مدعی هستند مارها آنها را مکرراً می‌گزند و در نهایت معلوم شده اظهارات آنها صحت نداشته‌است. نکته دیگری که وجود دارد آن است که پس از گزش فرد توسط مارهای سمی مناطق جنوبی ایران، بخش گزیده شده حتی پس از درمان دارای علائم است در صورتی که روی پای ایشان اثر گزش مارهای غیرسمی وجود دارد. من خود در حین تحقیقام افرادی را دیدم که به شکل عجیبی اعتیاد به سم مار پیدا کرده‌اند و عامدانه خود را در معرض گزش مار قرار می‌دهند. تصور می‌کنم شاید ایشان هم خودشان کاری می‌کنند که مارها به شکل مکرر او را می‌گزند.

بارید صفایی، کارشناس ارشد محیط‌زیست که از سال ۱۳۷۷ تاکنون بسیاری از گونه‌های مارها و دیگر خزندگان و دوزیستان را در ایران و برخی کشورهای همسایه نظیر عراق در زیستگاه‌های طبیعی‌شان بررسی کرده درباره آنچه برای عسگر رخ داده‌است می‌گوید نمی‌تواند توضیح خاصی ارائه کند، مورد عجیبی است و هیچ منطقی پشت این اتفاق نمی‌بیند. با این حال معتقد است این را که یک مار بیشتر از پنج شش بار یک نفر را نیش بزند و آن فرد زنده بماند، بعید می‌داند. زیرا به مرور بدن تحلیل می‌رود و نسبت به زهر و پادزهری که برای آن به کار برده نمی‌تواند مقاومت کند و مرگ در چنین شرایطی حتمی است. با این حال صفایی معتقد است اگر این ماجرا به هر دلیلی صحت داشته‌باشد، چنین فردی باید گترهای مخصوص چرمی بپوشد تا در برابر دندان‌های سمی مارها